

فرهنگ

گامنامه فرهنگی - دانشجوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

شماره بیست و هشتم / سال چهاردهم / بهار 98



جستجو در کوچه های بن بست الزهرا -

کافه زندگی ALZAHRA UNIVERSITY -

نقد فیلم سینمایی هزارپا -

انقلاب به سبک مدرن -

از رنجی که می بریم -

سبک زندگی دانشجوی انقلابی -

بررسی و تحلیل شعار سال 98 -

معرفی کتاب "خون دلی که لعل شد" -

اگر تو لیس درونم بگیرد...

تاسعین

هنر و ادبیات

4. معرفی کتاب "خون دلی که لعل شد".....
5. قاج کتاب (بخشی از کتاب "انسان کامل" شهید مطهری).....
6. داستان های خجسته

سینما و رسانه

9. سخن مهمان (استاد علی اکبر رائفی پور).....
10. نقد فیلم هزارپا
12. مفاهیم انقلابی و فضای مجازی.....

علمی - صنفی

15. اخبار دانشگاه الزهرا (س).....
16. آنچه یک دانشجو باید بداند
18. سبک زندگی دانشجوی انقلابی

اتاق فکر

21..... تحلیل شعار سال 98

• بررسی مفهوم تولید

• بررسی موانع پیشرو در تحقق شعار سال

• راهکارهای رونق دهی تولیدات

گاهنامه فرهنگی - دانشجویی روزنه

صاحب امتیاز : انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه
الزهرا (س)

مدیر مسئول : سیده سارا شریف زاده

سرمدبیر : ریحانه شیرازی

هیئت تحریریه : مهدیه دیداری ، مرضیه انبری ،

زهرا جوان ، فاطمه شیخ محبوبی ، مریم شاکری

صفت ، رعنا آذرمنیو ، زهرا فتاحی ، فاطمه علیزادنیا

و ریحانه شیرازی .

ویراستار : سحر ورچندی ، پریسا تیموری

طراح و صفحه آرا : سیده سارا شریف زاده

گاهنامه فرهنگی - دانشجویی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)



مولى اميرالمؤمنين (عليه السلام):

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ.

همواره در انتظار فرج و ظهور صاحب الزمان علیه السلام باشید و یأس و ناامیدی از رحمت خدا به خود راه مدهید. (بحار، ج 15، ص 123)

خدارا شاکرم که بار دیگر این فرصت فراهم شد تا با خوانندگان محترم این نشریه، صحبت کنم.

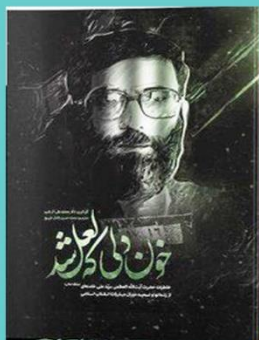
از تمامی اعضای محترم هیئت تحریریه کمال تشکر را دارم که با تلاش خود، در پیشبرد اهداف این نشریه کمک می‌کنند.

اکنون ما در عصر غیبت زندگی می‌کنیم حقیقت آن است که کسی که شیعیه است و منتظر، باید این انتظار خود را با کار و تلاش نشان دهد. یک منتظر حقیقی باید در تمام زمینه‌ها تلاش کند و خود را رشد دهد تا بتواند با امکانات و تجهیزات کامل اعتقادی و علمی به ظهور آن حضرت کمک کند. اکنون که در ماه مبارک رمضان به سر می‌بریم، فرصتی گرانبها پیش آمده است تا با عمل به دستور خداوند و روزه گرفتن برای حق تعالی، هم از جهت روحی خود را رشد دهیم و هم از جهت جسمی. به بیان دیگر امروزه از نظر علمی فواید زیادی برای روزه گرفتن ثابت شده است و آن تأثیرات شگرفی است که بر جسم انسان می‌گذارد و به سلامت تن کمک می‌کند.

انشالله بتوانیم نهایت استفاده را از این ماه مبارک ببریم و به رشد جسمی و روحی نائل شویم. امیدواریم که بتوانیم این سعادت را به دست آوریم که جزو سربازان حضرت مهدی (عج) باشیم و برای ظهور ایشان گامی مثبت برداریم.

آمین.

ژن ملی العزیز



بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: معرفی کتاب خون دل که لعل شد گردآورنده: مریم شاکری صفت

خون دل که لعل شد؛ قصه زندگی شمعی که ذره ذره آب شد، قدش خم شد ولیکن خم به ابرویش نیاورده است. خودش میگوید:

"لب باز نکردم به خروشی و فغانی من محرم راز دل طوفانی خویشم"

این شما و این خاطرات زندگی رهبر معظم انقلاب از بیش از 30 سال مبارزه کردن در راه حق، عدالت... یا بهتر بگویم "عشق".

«خون دل که لعل شد» که به همت محمدعلی آذرشب گردآوری شده است، ترجمه فارسی کتاب «ان مع الصبر نصر» زندگینامه ی رهبر معظم انقلاب است که توسط انتشارات انقلاب اسلامی در 424 صفحه به تحریر درآمده.

کتاب شامل بیان حکمتها، درس ها و عبرت هایی است که به فراخور بحث ها بیان شده و هر کدام از آن ها می تواند چراغ راهی برای آشنایی مخاطب کتاب بویژه جوانان عزیز با شیوه حکومت پهلوی، سختی ها و موارث های مبارزان و در مقابل، مقاومت ها، خلوص و ایمان انقلابیون باشد.

محمدعلی آذرشب میگوید: 20 سال پیش مقام معظم رهبری جلساتی داشتند که در آن درباره مسائل جهان عرب و نیز برخی مسائل سیاسی، فکری، علمی و ادبی به زبان عربی برای حضاران صحبت می کردند و بنده هم در آن جلسات حضور داشتم. علت بیان این سخنرانی ها به زبان عربی این بود که این زبان از منظر ایشان زبان تمدن اسلامی است و چیزی جدای از زبان فارسی نیز به شمار نمی رود. تمامی کسانی که در زبان فارسی افرادی مقتدر به شمار می روند به زبان عربی نیز مسلط هستند و در کنار آن باید بسیاری از افق های جهان اسلام از جمله افق های مرد و ترک و ایرانی را نیز در نظر گرفت. رهبر انقلاب نیز به دلیل نگاه فقهاتی و نیز ذوق ادبی و نیز آرمایی که به تمدن اسلامی دارند به این زبان علاقه زیادی داشته و این سخنرانی ها را نیز با همین محور انجام می دادند.

در این جلسات ایشان در خلال صحبت هایشان گاه به خاطراتی از خودشان اشاره می کردند و به همین خاطر از ایشان در نهایت تقاضا شد که این خاطرات را به صورت منظم بیان کنند که مورد پذیرش ایشان قرار گرفت و آن را ایراد کردند.

این سخنان ضبط شد و توسط من تنظیم شد و تقدیم ایشان شد و پس از ویرایش و نکات تصحیح که مد نظرشان بود در قالب عربی و با نام "ان مع الصبر نصر" منتشر شد.

آذرشب تأکید کرد: این کتاب قرار بود مدت ها قبل منتشر شود که به هر تقدیر به تأخیر افتاد و البته باید توجه کنیم که این روایت ها داستانی صرف نیست و حضرت آقا در خلال این روایت همواره در نظر داشتند که با نقل خاطراتشان پیامی نیز برای مخاطب آن ها

این ادیب زبان عربی تصریح کرد: خاطرات رهبر انقلاب اسلامی در این کتاب از بدو تولید ایشان شروع می شود و زندگی ایشان در منزل و رابطه شان با پدر و مادر و خواهر و برادرشان را روایت می کند و در فراز بعدی به مساله بیداری اسلامی در زمان شهید نواب صفوی و آیت الله کاشانی و تأثیرپذیری ایشان از این حرکت می رسد. او ادامه داد: رهبر انقلاب از آغاز نوجوان به تصریح خودشان به زبان عربی علاقه مند می شوند و برای همین منظور و یادگیری تکلم به این زبان به کربلا و بغداد و نجف نیز سفر می کنند، این سفر ها بیشتر برای دیدار و گفتگو با علمای وقت در این شهر ها به زبان عربی انجام می شد. بعد ها ایشان از همین منظر به ترجمه برخی آثار از عربی به فارسی نیز علاقه نشان می دهند و نگاهشان نیز متوجه قاریان مصری نیز می شود. جالب است بدانید نخستین کسی که در هنر این قاریان در تلاوت را به ایرانی ها معرفی کرده و نوار های صوتی آن ها را در ایران عرضه می کند ایشان بوده اند.

رهبر انقلاب در ایام زندانی بودن در قزل قلعه نیز با برخی از اعراب خوزستان که در آنجا در حبس بوده اند هم سلول می شوند و آشنایی و تکلم با آن ها از منظر علاقه شان به زبان عربی مورد توجه ایشان قرار می گیرد و حتی برخی از این افراد تا سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دیدار ایشان می آیند و از آن سال ها یاد می کنند.

رهبر انقلاب علاقه زیادی به مطالعه آثار ادبی جهان عرب دارند. ایشان شعر معاصر عرب و نیز شعر قدمای عرب را می خوانند و در جریان آن هستند. به خاطر همست زمانی که جوهری شاعر مشهور جهان عرب که چند قصیده نیز برای حضرت آقا سروده است، به دیدار با ایشان نائل شد، بیان کرد: او در حالی که بار ها گفته از ذوق و توان و اطلاعات ایشان از ادبیات عرب بسیار شگفت زده است از اینکه رهبر انقلاب تمامی دیوان و خاطراتش را خوانده و بر آن ها حاشیه زده ابراز شگفتی کرده و می گفت: ای کاش رهبران جهان عرب می دانستند که فردی مانند ایشان با این میزان از گرفتار های سیاسی و... چطور برای مطالعه و کتابخوانی وقت می گذارند.

آذرشب همچنین گفت: رهبر انقلاب اسلامی در بیان شفاهی خاطراتشان در این کتاب از زبانی آهنگین بهره برده اند. وقتی قرار شد این کتاب به صورت مکتوب مورد استفاده قرار بگیرد ایشان به من این اجازه را دادند که جملات این کتاب را به شکلی که برای تبدیل صحبت هایشان از شفاهی به مکتوب مورد نیاز است تغییر و ویرایش کنم.

چاپ این کتاب در عراق به نوبت دوم و در لبنان به نظرم به نوبت چهارم رسیده است. با این همه متن کتاب در فضای مجازی در دسترس عموم قرار گرفته و من تماس های زیادی از کشور های عربی به ویژه عراق داشته ام که خواستار بازنشر این کتاب بودند که گویا از سوی دفتر رهبر انقلاب اجازه آن داده شده است. این پایان سخنان آقای آذر شب درباره این کتاب بود اما...

مثل آخر همه معرفی کتاب ها باید خواندن این کتاب را به گروه خاصی توصیه کنم و این کار را خواهم: خواندن این کتاب را برای آن گروه از انسان هایی که مقاومت مشق شب هایشان، عدالت محور زندگیشان و شهادت آرزوی دیرینشان است توصیه میکنم. و تو، ای خواننده عزیز شما میدانید آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند، آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟

زهرآفتاب

قرآن کریم به طور کلی برای انسان در مقابل همه ی اشیاء عالم یک حساب جداگانه ای باز کرده است. انسان حسابی دارد جداگانه و مستقل. این تعبیر قرآن مجید را ببینید که می فرماید: «سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ ما نشانه های خود را در آفاق، یعنی در عالم طبیعت و در نفوس خود مردم ارائه می دهیم». اینجا را با یک بیان جداگانه و حساب جداگانه ای بیان کرده است و همین آیه سبب شده است که در ادبیات ما اصطلاح آفاق و انفس راه پیدا کند.

اگر ما انسان کامل اسلام را شناسیم، قطعاً نمی توانیم یک مسلمان تمام و یا کامل باشیم؛ به تعبیر دیگر یک انسان ولو کامل نسبی از نظر اسلام باشیم. شناخت انسان کامل یا انسان نمونه از دیدگاه اسلام، از آن نظر برای ما مسلمین واجب و لازم است که حکم مدل و حکم الگو و حکم سرمشق را دارد؛ یعنی ما اگر بخواهیم یک مسلمان کامل باشیم چون اسلام می خواهد انسان بسازد، ما اگر بخواهیم به کمال انسانی خودمان برسیم، تحت تربیت و تعلیم اسلامی باید بدانیم که انسان کامل چگونه چیزی است و چگونه است چهره انسان کامل.

انسان تنها موجودی است که خودش از خودش تفکیک پذیر است؛ یعنی ما نمی توانیم سنگی داشته باشیم که سنگی نداشته باشد یا گریه ای داشته باشیم فاقد گریه؛ سگی داشته باشیم فاقد سگی؛ پلنگی فاقد پلنگی. هر پلنگی در دنیا آن خصلت هایی را که پلنگی می نامیم دارد به سهم غریزه؛ ولی این انسان است که انسان بودن خودش را ندارد و باید تحصیل بکند و انسان بودن هیچ مربوط به جنبه های زیستی و بیولوژیکی نیست.

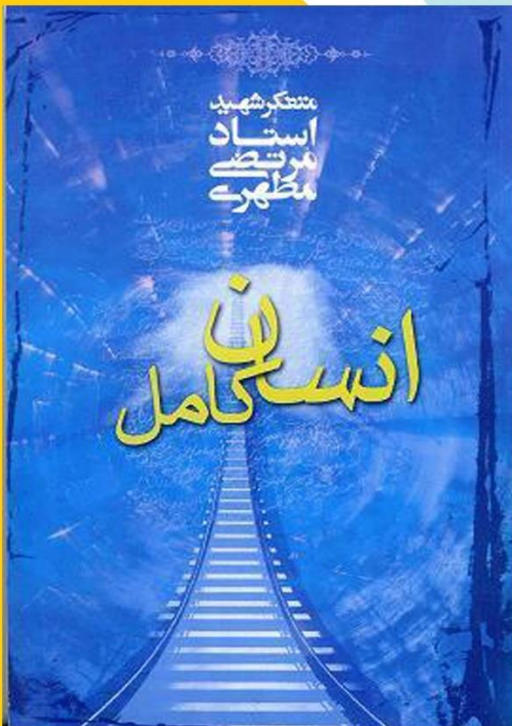
انسانیت یک امری است وراء زیست شناسی.

کمال خواهی، یک گرایش اصیل و مستقل و البته فطری و ذاتی است که همه افراد انسان واجد استعداد و قوه آن می باشند و انسانیت و کمال او به میزان فعلیت بخشیدن این استعداد می باشد. انسان در بدو آفرینش از نظر جسمی (مانند دیگر موجودات) فعلیت خاص خود را دارد؛ چشم دارد؛ گوش دارد؛ زبان دارد...؛ اما از نظر شخصیتی و انسانیت در بدو تولد هیچ گونه فعلیتی ندارد و تنها استعداد و توانمندی و دارای ظرفیت های عظیمی است که این استعدادها و ظرفیت ها جز با حرکت ارادی و آگاهانه و همراه با مشقت و جهاد خود انسان اشباع نگردیده و به فعلیت نمی رسد.

شما سراغ هر موجودی بروید می بینید، خودش برای خودش به عنوان یک صفت انفکاک پذیر نیست...؛ ولی این انسان است که ممکن است یک انسانی باشد منهای انسانیت برای این که آن چیزهایی که ما آنها را انسانیت انسان می دانیم، آن چیزهایی که به انسان شخصیت می دهد (نه آن چیزهایی که ملاک شخص انسان است) این ها اولاً یک سلسله چیزهایی که با ساختمان مادی انسان درست نمی شود چون غیر مادی است و ثانیاً آن چیزهایی که ملاک انسانیت انسان است و به انسان شخصیت می دهد، فضیلت می دهد و ملاک فضیلت انسانی انسان است به دست طبیعت ساخته نمی شود؛ به دست هیچ کس ساخته نمی شود؛ فقط و فقط به دست خود انسان ساخته می شود.

قاج کتاب

بخشی از کتاب "انسان کامل" استاد شهید مطهری



جستجو در کوچه های بن بست الزهرا

رعنا آذرمینو

بود دیگر دلم نمیخواست از اصفهان دل بکنم. در عوض تابستان نزدیک است. قصد دارم دوهفته ی اول تعطیلات را تحت تاثیر سبک اعجاب انگیز زندگی انگل ها بگذرانم. حوالی ساعت بود 10 که به تهران رسیدم. در حال حاضر وارد یک مذاکره ی جان فرسا با آقای محترم راننده شده ام. ایشان مصمم هستند که برای حرکت دادن ماشین از ترمینال به سمت دانشگاه حداقل باید 40000 هزار تومان پول رایج مملکت را از بنده دریافت کنند. هر چه بنده برای ایشان محاسبه میکنم که پدر جان هزینه ی بنزین، اصطکاک صفحه کلاچ، فرمان، دنده، قورق، مینیسک، رباط در این مسیر روی هم رفته 25000 هزار تومان بیشتر آب نمیخورد به گوشش نمیرود آخر سر هم با چماق بر سر مال خود میکوبد و به مبلغ 35000 تومان هم رضایت میدهند. گفتم خواهش میکنم من یک دانشجوی غریبم، در جریان که هستید پول و دانشجو مانند جن و بسم الله میمانند به علاوه از شما عاجزانه خواهش مندم کمی هم به زادگاه من احترام بگذارید و از من نخواهید که بر تمام اصول و قوانینی که از بچگی با آنها بزرگ شدم را زیر پا بگذارم و همینطور پول های زحمت کشیده را ریخت و پاش کنم. در نهایت هم مجبور شدم سر کیسه را شل کنم و 30000 تومان پول بی زبان را پرداخت کنم تا به دانشگاه برسم. هنوز هیچ یک از بچه ها نیامده بودند. من هم تصمیم گرفتم برای مدت کوتاهی استراحت کنم. کمی خوابیدم و 4 ساعت بعد بیدار شدم! حدود ساعت 5 بود که از خوابگاه بیرون زدم که کمی قدم بزنم و از هوای بهاری لذت ببرم، البته 3 طبقه که پایین امدم پشیمان شدم و خواستم که برگردم و بی خیال این هوای پر از گرد و گل و آرزوی عطسه شوم اما دیگر نه راه پس داشتم نه راه پیش. همینطور که در حیاط دانشگاه قدم میزدم ناگهان پوستر کلاس های مقاله نویسی انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا، استاد فلان ساعت فلان، روز فلان، برای ثبت به دفتر انجمن مراجعه فرمایید، نظرم را به سوی خود جلب کرد گفتم من که الان کاری برای انجام دادن ندارم بروم سری به انجمن بزنم. پشت در دفتر انجمن که رسیدم در زدم و در را ازام باز کردم پشت در چند چهره ی خندان روی صندلی

امروز کلاس حس عجیبی به من میدهد. البته به نظرم اینکه همه برگشته اند و به من خیره شدند هم در این حس بی تاثیر نباشد. چشمم را برای لحظه ای از بچه ها برداشتم تا از رفیق شفیقم پرسم که دور دهنم کثیف نیست؟ که ناگهان در فاصله ای به اندازه ی یک بند انگشت از خودم با دو چشم گرد مواجه شدم. با خودم گفتم اگر کمی دیگر این چشم ها باز شوند دو لنز طبی با شتاب زیادی به سمت من خواهند آمد و اگر بد شانس باشم هنگام انجام فرایند دم راهی به داخل گلویم پیدا میکند، نای نازنینم را محکم میچسبید و کلکم را میکند. یک مرگ خاموش، یک جوان ناکام... آخر آن چشم ها کار خودش را کرد. البته نه اینکه فکر کنید بنده فقط به فکر خودم هستم نه من به فکر دوستانی هستم که در این ساعت شوم در زیر این سقف شاهد مرگ اسفناک بنده خواهند بود. بی شک هیچ کدام، آن آدم های قدیم نخواهند شد. پس سریع به خودم آمدم با دو دستم جلوی چشمانش را گرفتم و ملتسانه نالیدم اگر به فکر من نیستی لااقل به فکر این بچه ها باش. ولی نه مثل اینه امروز روز آخر زندگی من بود دو دست دور گردنم حلقه شدند و صدای در گوشم زمزه کرد: چرا با چادر گل گلی سر کلاس آمدی؟ در حالی که سعی میکردم آخرین نفس هایم را بکشم از بین پلک های نیمه بازم استاد را دیدم که به سمت می آمد در حالی که فریاد میزد حرکت است، جا نمانید. من هم به رو به رو خیره شدم و با صدای خفه ای گفتم بله بالاخره وقت حرکت من هم رسید و با حالت بسیار شاعرانه ای رو به افق دار فانی را وداع گفتم. البته در کمال تعجب دوباره بیدار شدم. دور و برم را بررسی کردم هوا گرگ و میش بود سرم را به ستون تکیه داده بودم چادر نماز سرم بود و صدای مردی از بیرون می آمد که میگفت مسافران اصفهان تهران وقت حرکت است، جا نمانید. گردنم به شدت خشک شده بود نصیحت یک زخم خورده: هیچ وقت یک ستون نمیتواند کاربری دیگری به جز ستون داشته باشد. به سختی خودم را جمع جور کردم و پریدم داخل اتوبوس. این چند روز تعطیلی حسابی پشتم باد خورده بود دیگر دلم

نشسته بودند و به من خیره شدند همیشه در فیلم ها اینجور استقبال ها با آغوش هایی به این بازی آخر و عاقبت خوبی ندارند. پس سریع در را بستم. اما ناگهان در باز شد و یک دست مرا به داخل کشید سعی کردم طبیعی جلوه کنم، پس من هم یک لبخند گشاد تحویلشان دادم و زیر چشمی به دنبال یک شیء تیز میگشتم که متاسفانه حتی یک مورد هم یافت نشد. خلاصه طی ملاقاتی که چندان شروع جالبی برای من نداشت با کار انجمن آشنا شدم و بنا به علایق من قرار شد وظیفه ی مصاحبه با مسئولین دانشگاه حول مسائل و مشکلات دانشگاه و دانشجویان به بنده سپرده شود در نهایت هم فرم جلوی من گذاشتند تا آن را پر کنم
نام نام خانوادگی: مینا خجسته
رشته تحصیلی: روانشناسی ...

ادامه دارد





بخش سینما و رسانه

سواد

رسدانه‌ای



استاد علی اکبر رائفی پور

سخن مهمان (استاد علی اکبر رائفی پور)

کسانی که در آخر الزمات زمین به ارژشان می رسد کسانی هستند که خود را عید خدا و صالح ساختند. لذا یک سری اینان زمین به دستشان خواهد رسید و نبض زمان برای اینان خواهد زد. دنیایی رو به کمال اما با تدریج لذا جهان باید آماده شود. منظور از آمادگی، آمادگی مادی است و معنوی.

در آمادگی مادی جهان باید یک خانه شده و مانند یک سلسله اعصاب به هم وصل شود به صورتی که صداها، رنج ها، رنگ ها، دردها و فریادها را همه بفهمند. این باید آماده بشود و در اختیار سالخان قرار بگیرد.

در روایات نیز به این موضوع اشاره شده است: "مردمانی که نشسته اند در حالی که همدیگر را میبینند و صدای یکدیگر را می شنوند".

اینها یعنی فضای مجازی را بستری برای ظهور میبینند. این نگاهی فرصت محور است بدین صورت که می توانیم پیام های دین خود را به تمام دنیا برسانیم. متأسفانه امروزه دشمنان ما را در برخی از شبکه های اجتماعی محصور کرده اند چراکه نمی توانیم پیام خود را به مردم سراسر جهان برسانیم. برای مثال می توان به توریست هایی اشاره کرد که قبل و پس از آمدن به ایران نظرشان 180 درجه فرق می کند. اینگونه ما تحت هجمه رسانه ای بیگانه قرار داریم.

امروزه تعداد افرادی از ما که عضو اینستاگرام هستند بسیار بیشتر از افرادی است که عضو توئیتر هستند در حالی که فساد در اینستاگرام بیشتر است. چرا سیاست گذاری ها اینگونه است؟ در اینستاگرام میتوان عکس ها و فیلم های فراوان با کپشن های طولانی را به اشتراک گذاشت در حالی که توئیتر فضایی نخبگانی داشته و تا چند کاراکتر مشخص بیشتر نمی توان نوشت. متأسفانه سیاست ها به گونه ای است که انجایی که آسیب ها زیاد است دستمان باز اما آنجا که می توانیم به دشمنانمان حمله کنیم و پیام خود را انتشار دهیم دستمان را بسته اند. حکاین فضای مجازی ما بازکردن سگ و بستن سنگ است.

یکی از مدیران ارشد IBN در رابطه با این شبکه ها می گوید: شما از طریق پوش های مصنوعی که در IBN علیه شما نوشته شده است به گونه ای رصد می شوید که حتی نمی توانید تصور کنید. اینکه از کدام کانال ها بازدید می کنید و نحوه برخورد شما با آنچه را که دریافت می کنید رصد می شود. اینکه شما هنگام مواجه با یک فایل چگونه با آن برخورد می کنید، آیا گوشی را پرت می کنید، گوشی را نزدیک می کنید، روی عکس زوم می کنید، عکس را رد می کنید و یا حتی چند ثانیه روی عکس متمرکز می شوید.

همه این اطلاعات برای یک دیتا بیس فرستاده می شود و وقتی آنلاین می شوید اطلاعات دیتا کامل می شود و همه اطلاعات شما ذخیره می شود.

شما اگر به یکی از برنامه های نصب شده بر روی گوشی خود بروید می بینید که چه دسترسی هایی نسبت به تلفن همراه شما دارد. ما به گونه ای توسط دشمن آنالیز می شویم که حتی به مخیله مان هم نمی رسد. بسیاری از ما امروزه توهم آزادی داریم در حالی که شدیداً توسط رسانه ها کنترل می شویم. بنابراین یک از راه های کم کردن آسیب های این فضا آموزش و افزایش اطلاعات و مهارت مردم در این زمینه است.

[جنگ نرم در برابر جنگ سخت در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه، گروه و یا یا گروه‌های هدف را نشانه می‌گیرد و بدون جنگ و درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی دارد. جنگ رایانه‌ای، اینترنتی، براندازی نرم، راه‌اندازی شبکه های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی از مصادیق جنگ نرم هستند]

اگر یک چاقو را به دست کودک دوساله بدهیم خطرناک است ولی همین چاقو در دست یک جراح جانشین است. بسیاری از ما در مقابل تکنولوژی ها همانند کودک 2 ساله ای هستیم که سواد و مهارت استفاده از آن را نداریم. مسئله ای که در اینجا حایز اهمیت است این است که جنگ روانی برای مردم به درستی تبیین شود که در این صورت ابزار دیگر مهم نیستند. اگر مردم در مقابل در مقابل جنگ روانی آموزش نبینند نمی توانند در مقابل شبکه های اجتماعی مقابله کنند. همان گونه که در زمانی که گوشی های تلفن همراه در ایران ارائه شدند متأسفانه مردم به علت عدم مهارت و اطلاعات کافی در استفاده از آن صدمات فراوانی را متحمل شدند. اگر فکر کنیم با جمع کردن یک شبکه اجتماعی همه چیز حل خواهد شد باید بدانیم که فردا شبکه اجتماعی دیگری خواهد آمد همان طور که رهبری فرمودند: نمی توانید دور مملکت را سیم خاردار بکشید بلکه باید با جریانات سازماندهی شده برخورد کرد.

مردم باید نسبت به عملیات روانی آگاه باشند. کم نیستند بسیاری از پیام هایی که توسط رسانه های خارجی ساخته و متأسفانه توسط خودمان پخش می شوند. مردم نسبت به رسانه باید توجیه شوند چرا که رسانه کارش عملیات روانی و دروغ پردازی است به طوری که راست و دروغ را در هم می آمیزد.

فضای مجازی تهدیدها و فرصت ها را درکنار یکدیگر دارد و آنچه مهم است این است که چگونه می توان تهدیدها را به فرصت ها تبدیل نمود در قرآن نیز داریم میثرا و نذیرا. ابتدا بشارت می دهد فرصت ها را می گوید سپس هشدار می دهد.

شبکه های اجتماعی فرصتی را فراهم آورده که فاصله ها را کم، زمان را کوتاه کرده است و ارتباطات را وسعت و عمق بخشیده است. این تکنولوژی به خدمت بشر آمده است و این خود از شرایط ظهور است چرا که دنیا را کوچک و همانند یک سلسله اعصاب به یکدیگر متصل کرده است که از این نظر خوب است اما باید آسیب ها را هم در لحاظ کنیم. آیت الله خزعلی در تفسیر آیه 105 سوره انبیا می فرماید:

زهرا جوان

هزار پا آخرین ساخته ابوالحسن داوودی در مقام کارگردانی و تهیه کنندگی رضا درخشانی در ژانر کمدی است این فیلم تصویرگر سال هایی است که با وجود اتمام جنگ اما همچنان سایه جنگ بر سر مردم سایه افکنده است. هزار پا هر چند با استقبال زیاد مخاطبان و فروش بالا مواجه شد اما داستان تازه ای را برای مخاطبان خود روایت نمی کند بلکه تکرار همان فرمول های اولیه و ساختار فیلم های کمدی پیشین است که چندان به دل نمی نشیند و عدم خلاقیت و تکرار عینی شخصیت ها و حتی دیالوگ های دیگر آثار کمدی را می توان به وضوح در آن مشاهده کرد. امروزه کم نیستند فیلم های کمدی بی ارزشی که فضای سینمای ایران را احاطه کرده اند و سینمای ما را به سمت پیش رفتن به سینمایی تجاری سوق می دهند به گونه ای که دیگر محتوا و ساختار فیلم ها متاسفانه از استانداردهای قابل قبولی برخوردار نیستند. فیلم هایی که مردم را به سمت سطحی نگری سوق میدهند و بر روحیه غفلت زدگی و فراموشی آنان دامن می زنند و خواه نا خواه به ترویج فرهنگ و سبک زندگی غیر اسلامی کمک می کنند تا جایی که باعث تغییر ذائقه مردم شده و خود به خود بر مشکلات اجتماعی دامن زده می زنند.

خلاصه فیلم:

هزارپا داستان دو کیف قاپ به نام های رضا (عطاران) و منصور (جواد عزقی) است که سالیان است از این راه و ساقیگری مشروبات الکلی امرامعاش می کنند. در طی جریاناتی که در طول فیلم اتفاق می افتد رضا از طریق مادر منصور متوجه می شود که دختر ثروتمندی قصد ازدواج با یک جانباز را دارد. رضا نیز که از دوران کودکی خود دچار معلولیت است از معلولیت خود سوء استفاده کرده و سعی دارد تا از

طریق نزدیک شدن به الهام عباسی (سارا بهرامی) که مدیریت یک آسایشگاه را بر عهده دارد توجه او را به خود جلب کرده و با وی ازدواج کند.

فیلم شامل داستان های متعددی است که همراه با داستان اصلی فیلم و همسو با آن پیش می روند هر چند این داستان های فرعی کمکی به داستان اصلی فیلم نمی کنند. آنچه قابل توجه است این است که داستان منطق روایی ندارد و موقعیت ها معمولا ساخته نمی شوند و اگر هم ساخته شوند پایان آن مشخص نیست. برای مثال در سکansı از فیلم می بینیم رضا سوار بر



فیلمی از
ابوالحسن داوودی

تهیه کننده: رضا درخشانی

روزنه / گاهنامه / بهار 98

خوردروبی است که ترمز آن بریده است در حالی که عده ای مسلح راه او را سد کرده اند و در مقابل او نیز پیچ خطرناکی است که کمتر کسی از آن جان سالم به در می برد با این حال رضا با تلاش فراوان موفق به عبور از میان افراد مسلح می شود اما درست زمانی که او به پیچ خطرناک جاده می رسد و مخاطب شدیداً مشتاق است تا بداند چه اتفاقی می افتد فیلم به یکباره کات می خورد و لحظات بعد او را در کنار منصور در خانه اش میبینیم اما این پایان اینگونه اشتباهات نیست در سکانسی دیگر که مربوط به مبارزه میان مجاهدین خلق و گروه خلافکاران است و مخاطب به شدت پیگیر داستان است ناگهان مخاطب با پایان جنگ و دستگیری خلافکاران روبرو می شود. ازدواج دای رضا و مادر منصور و همچنین نشان دادن عشق پسرعموی الهام نسبت به او نیز از جمله داستان های فرعی فیلم هستند که هیچ کمکی به پیشبرد داستان اصلی نمی کنند. همچنین از دیگر موضوعاتی که در این قسمت می توان به آن اشاره نمود تدوین نامناسب و ضعیف فیلم است.

در این فیلم ویرینی از موضوعاتی همچون شوخی های جنسی بی حد و مرز، نگاه های غلط به زنان، عشق های بی پایه و اساس و... را میتوان دید که کارگردان برای جذابیت و حفظ فیلم به هر نحوی که توانسته از آنان استفاده کرده است. شوخی های جنسی موجود در فیلم که اغلب از شبکه های اجتماعی به عاریت گرفته شده اند. شوخی هایی هستند که نه تنها هدفی را دنبال نمی کنند بلکه بسیاری از عقاید را نیز زیر پا میگذارند. برای مثال میتوان به تمسخر جانبازان دفاع مقدس اشاره نمود. این عزیزان در این فیلم به گونه ای مطرح می شوند که از تمام خط قرمزها و قوانین آسایشگاه عدول کرده و تذکر مسئولین نیز برای سر به راه شدنشان فایده ای ندارد. و یا می توان به سکانسی که در بیمارستان و هنگام آمپول زدن رضا اتفاق می افتد اشاره نمود از دیگر نقد های جدی که میتوان به این فیلم داشت مطرح کردن جلوه ای نه چندان خوشایند از زنان است تا جایی که می توان گفت برخی از رفتارها در فیلم ضدزن هستند. حتی گاهی از یک فرد چهره های متناقضی را نشان می دهد. زنان در این فیلم افرادی بسیار ساده لوح بوده که دارای ضریب هوشی پایینی هستند و سعی دارند تا به هر شکلی که شده ازدواج کنند. برای مثال میتوان به نقش الهام اشاره نمود. زنی که در ابتدا نشان دهنده زنی مستقل، قدرت مند، سخت گیر و بسیار منظم است که مدیریت یک آسایشگاه را بر عهده دارد اما پس از مواجه با رضا خیلی سریع ابهت و قدرت اولیه خود را از دست می دهد. و یا می توان به نقش خانم کمالی (نعیمه نظام دوست) به عنوان یک زن چاق اشاره نمود که در فیلم با تمسخر فراوان روبرو است.

نتیجه گیری :

به طور کلی می توان گفت هزارپا به اصول هنری پای بند نبوده و عدم نوآوری در داستان، شخصیت پردازی ها و ساختار فیلم را به راحتی می توان مشاهده نمود برای مثال می توان به نقش رضا عطاران و جواد عزتی اشاره نمود که کاملاً از روی فیلم های اکسیدان و نهنگ عنبر ساخته و پرداخته شده اند و شاید یکی از دلایل این کپی برداری را بتوان محبوبیت این دو فرد در این دو فیلم مطرح کرد که خود می تواند در خنداندن مخاطب و فروش بالای فیلم موثر واقع شود. فیلم های کمدی در مقایسه با سایر فیلم های سینمایی که دارای درونمایه های جدی هستند بیشتر مورد استقبال مخاطبان سینما قرار میگیرد به همین دلیل اینگونه فیلم ها نیازمند واکاوی پژوهشگرانه هستند و شاید بهتر باشد عوامل سازنده فیلم نسبت به مضمون، انتخاب و نوع معرفی شخصیت ها و شوخی های موجود در فیلم توجه و دقت ویژه ای داشته باشند چرا که هرچند فیلم های طنز از اقبال فراوانی برخوردار است اما باید توجه داشت که زیرپا گذاشتن بسیاری از خط قرمزها و طنز های بی حد و مرز هیچ گاه برای مردم پذیرفتنی نیست.





و ارتباط با گروه‌های مؤثر فرهنگی و یافتن سؤاها و سرخ‌های فکری آنان، استفاده از فضای مجازی است.

که باید به آن توجه شود آن است که در زمینه آموزش و پرورش نیروهای مستعد و متعهد، اقدام شود.

امروزه فضای مجازی، ابزاری است که دشمن با استفاده از آن به تغییر نگرش‌های افراد یک ملت اقدام می‌کند. این فضا برای افراد یک ملت هم چالش است و هم فرصت. ما باید هوشمندانه در این فضا قدم بگذاریم و حضور نیروهای خود را بیشتر کنیم نه اینکه از این فضا دور شویم.

رویکردی که در این خصوص اصلح به نظر می‌رسد آن است که باید به دنبال ایجاد انقلاب اسلامی در فضای مجازی بود نه آنکه صرفاً به بازنشر حداقلی مفاهیم انقلابی پردازیم.

ناگفته نماند که همیشه حق بر باطل پیروز است و این یک اصل تغییر ناپذیر است اما ممکن است سوال ایجاد شود که اگر قاعده بدین صورت است، پس چرا در ظاهر باطل از قدرت بیشتری برخوردار است و حق را تحت سلطه خود در آورده است.

پاسخ به این سوال به بحث تخصص برمی‌گردد یعنی اگر نیروهای جبهه ی حق، خود را از همه لحاظ تقویت کنند و با تجهیزات وارد میدان شوند، این قاعده محقق می‌شود. لذا علت عدم تحقق این قاعده در حال حاضر، عدم تقویت نیروهای جبهه ی حق است.

با این بیان است که می‌توان به علت تصمیم رهبری در خصوص ایجاد شورای عالی فضای مجازی پی برد.

رهبری در خصوص اهمیت این فضا می‌فرمایند: دستگاه‌های مختلفی در فضای مجازی حضور دارند اما حضور در این فضا باید یک حضور جریان‌ساز باشد ضمن اینکه بهترین راه شناسایی و



افسر جوان توی صحنه است! هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست می‌بیند! با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند! دانشجو نقشش این است.

نقش دانشجو

در جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید



علمی - صنفی بخش

دانشگاه الزهرا

(در این ایام)

درس‌ال تحصیل 97-98 رویدادهای مهمی اعم از علمی، فرهنگی و ... در دانشگاه رخ داد که گزیده ای از آن‌ها به شرح زیر است:

8- به مناسبت 29 دی ماه روز هوای پاک در دانشگاه الزهرا(س) طرح سه شنبه های بدون خودرو کلید خورده و مورد تأیید ریاست دانشگاه نیز واقع شد.

9- در 26 دی ماه 97 نشست بین دبیرکل فرهنگی و اجتماعی کشور با مدیران، کارشناسان و معاونان فرهنگی دانشگاه الزهرا(س) با محوریت برنامه های فرهنگی آینده و اجرا شده در دانشگاه برگزار شد.

واحد فرهنگی انجمن اسلامی

1- درمهرماه سال 97 انجمن اسلامی دانشجویان برنامه ای خیرخواهانه برای کودکان کار تدوین نمود که بافروش گل های کاکتوس در 16 مهرماه 97 به همت واحد فرهنگی انجمن انجام شد.

2- دراسفندماه 97 طرح 110 دست مهربان، جمع آوری غذای گرم دانشجویان، به نفع کودکان کار به همت واحد فرهنگی انجمن اسلامی برگزار شد.

همچنین به مناسبت سال نو بازارچه خیریه در بازه زمانی 19 تا 22 برگزار گردید.

دبیر فرهنگی انجمن اسلامی درخصوص بازارچه خیریه بیان داشت:

کودکان کار و بچه های خیابانی نامی آشنا که بارها برسر زبان‌ها آورده شده است به کودکانی گفته می شود که به طور مداوم به کارگرفته می شوند و به جای رفتن به مدرسه درس های زندگی شان را از همین کوچه و خیابان ها می گیرند و از لذت های شیرین کودکی بی بهره بوده و تا مرز نابودی روحی و جسمی پیش می روند. متأسفانه تغییرات اقتصادی در دهه ی اخیر کشور موجب افزایش این کودکان در سطح شهر شده است. از همین رو واحد فرهنگی انجمن اسلامی الزهرا درسال 1398 درنظر دارد درحد بضاعت دانشجویی خود به این کودکان کمک کند. هرچند این کمک ها برای حل مساله کافی نیست اما امیداست این حرکت خیرخواهانه و جهادی ادامه دار باشد.

1- اولین موضوع قابل تامل در مهرماه سال 97 این است که دانشگاه الزهرا (س) در چهاردهمین مجمع عمومی کنفرانس روسای دانشگاه های خاورمیانه عضو آژانس دانشگاه های فرانسه زبان شرکت نمود.

این نشست درروز دوشنبه مورخ 23 مهرماه 1397 در دانشگاه الاسلامیه لبنان برگزار شد. دکترمحمدرحیم احمدی عضو هیأت علمی گروه فرانسه و نماینده دانشگاه الزهرا درآژانس دانشگاهی فرانسه زبانی در این مجمع شرکت نمود. دانشگاه الزهرا از سال 2017 به عضویت آژانس دانشگاهی فرانسه زبانی درآمد. مراسم افتتاحیه کنفرانس روز دوشنبه با سخنرانی دکتر دینا المولی رئیس دانشگاه اسلامی لبنان، دکتر اروه سابورن رئیس دفتر خاورمیانه آژانس، رئیس اتحادیه دانشگاه های عربی خاورمیانه و همچنین نماینده رئیس مجلس لبنان آغاز شد. رئیس دفتر خاورمیانه آژانس دانشگاهی فرانسه زبانی در سخنان خود با معرفی آژانس و فعالیت های آن درخاورمیانه، اعلام نمود آژانس دانشگاهی فرانسه زبانی دارای 888 دانشگاه عضو از 115 کشور است که در 10 دفتر منطقه ای سازماندهی شده اند.

2- آغاز دومین دوره طرح آموزشی-تجربی کیمیا

در دانشگاه الزهرا(س) با هدف «ارتقای دانش و مهارت نیروی انسانی مورد نیاز عرصه فناوری و نوآوری کشور» براساس همکاری میان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، پارک علم و فناوری دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه الزهرا(س) در محل سالن همایش های بین المللی دانشگاه الزهرا(س) از تاریخ 14 مهرماه 97 آغازبه کار نمود.

3- جلسه برنامه ریزی و هماهنگی رویداد دانشجویی

باموضوعیت سکان صبحانه سالم با توجه به مصوبه شورای سیاستگذاری سلامت دانشگاهیان و به منظور بررسی ایده مرکز مشاوره، بهداشت و سلامت دانشگاه درخصوص برگزاری رویداد دانشجویی سکان صبحانه سالم، جلسه برنامه ریزی و هماهنگی اجرای این رویداد در تاریخ 24 مهر ماه 97 از ساعت 13 الی 15 با حضور دکتر بختیاری (معاون دانشجویی)، دکتر رحمانی(معاون اداری و مالی)، دکتر حسین زاده (مدیر دفتر کارآفرینی و نوآوری)، دکتر چراغ ملایی (رئیس مرکز مشاوره، بهداشت و سلامت) و آقای رحمانی (مدیر سلف دانشجویی) در مرکز مشاوره، بهداشت و سلامت دانشگاه برگزار شد.

4- جشنواره ی نشریات دانشجویی دانشگاه الزهرا(س) به صورت داخلی در 28 آبان 97 برگزار شد.

در این جشنواره نشریات انجمن اسلامی خوش درخشیدند و مدیرمسئولان، سردبیران و نویسندگان این مجموعه برای انجمن افتخار به ارمغان آوردند.

جوابی

ALZAHRA UNIVERSITY

مهدیه دیداری

مدق است که ساخت کافه های مختلف در دانشگاه افزایش پیدا کرده و تعجب بسیاری از دانشجویان را برانگیخته است. در این بخش می خواهیم به رشد کافه ها در فضای دانشگاه پردازیم و جنبه های مثبت و منفی آن را بررسی کنیم.

ما برای کسب اطلاعات به مصاحبه با دانشجویانی که در نزدیکی کافه و بوفه دانشگاه بودند پرداختیم و اکنون گفته های ایشان را به صورت تحلیلی، برای بررسی جنبه های مثبت و منفی، بیان می کنیم.

روزانه / گاهنامه بهار 98

آنچه یک دانشجو باید بداند

* افزایش کافه در دانشگاه می تواند باعث صرفه جویی در وقت دانشجویان باشد. دانشجویان می توانند به راحتی به نزدیک ترین کافه خود مراجعه کرده و نیاز غذایی خود را برطرف کنند.

* این افزایش می تواند رقابتی را میان کافه داران ایجاد کند که موجب ارائه محصولات با کیفیت و متنوع می شود و باعث می شود کافه داران به نظافت کافه خود رسیدگی بیشتری انجام دهند و فضای زیبا و دلنشین تری را برای دانشجویان به وجود آورند.

اینک جنبه های منفی این افزایش را بنا بر گفته دانشجویان بیان می کنیم :

* مکانی که برای ساخت کافه انتخاب می کنند نامناسب است. برای مثال کافه را در بخشی از دانشگاه که دور از دسترس دانشجویان است می سازند که دانشجو برای رسیدن به آن باید مسافت زیادی را طی کند و زمان زیادی از او گرفته می شود یا این که دو کافه را در کنار هم می سازند که این امر صورت خوشی ندارد.

* کافه ها نباید در کنار دانشکده ها و یا در کنار کلاس های درس ساخته شوند زیرا بوی ناشی از مواد غذایی باعث از بین رفتن تمرکز دانشجویان شده و اعتراض آنان

را در پیش دارد و همچنین نباید کافه ها را در کنار سالن های همایش احداث کنند زیرا باعث از بین رفتن وجهه آن مکان می شود (مانند کافه ی رو به روی سالن توراتی) .

* اینکه تعداد کافه ها آنقدر افزایش پیدا کند که در هر بخش یک کافه وجود داشته باشد، باعث کاهش ارزش علمی و آموزشی دانشگاه می شود.

بعضی از عزیزان هم پیشنهادی در این زمینه دادند :

1. به جای کافه های متعدد یک کافه بزرگ در مرکز دانشگاه احداث می شد که از تمامی دانشجویان فاصله یکسان داشته باشد .

2. اگر هزینه ساخت این کافه ها را برای برطرف کردن مشکلات و کاستی های دانشگاه که بودجه کافی برای آنها موجود نیست استفاده کنند بهتر است.

نظر بنده هم مطابق نظر دوستان است. گرچه این افزایش جنبه مثبت هم دارد اما باید در نظر داشته باشیم که فضای دانشگاه یک فضای علمی و آموزشی است بنابراین این دو مسئله باید پررنگ تر باشد تا خورد و خوراک!

در ثانی، به جز مسئله افزایش کافه ها مسئله قیمت محصولات آن ها نیز شایان ذکر است. اینکه قیمت محصولات به گونه ایست که تنها تعداد کمی از دانشجویان توانایی پرداخت آنها را دارند و دانشجویان خوابگاهی و تهرانی بسیاری هستند که توانایی پرداخت چنین هزینه هایی را ندارند(باتوجه به وضعیت عالی اقتصادی فعلی!).

البته کافه دار ها هم حق دارند زیرا هزینه ی اجاره کافه هم بالاست و آنها مجبور می شوند که قیمت محصولات خود را بالا ببرند تا هم بتوانند هزینه اجاره را بدهند و هم چیزی برای خودشان باقی بماند. عزیزان سودجو ای کاش به این مسئله بیاندیشند که با این کار هم مشتریان کافه دار ها کم میشود و هم ضرر قابل توجهی به ایشان وارد می شود.

سودجویان محترم ! لطف کنید لااقل کافه هارا در مکان مناسبی بسازند تا هم شان مکان ها حفظ شود و هم اعتراض کسی برانگیخته نشود .

از نظر اینجانب اگر رشد کافه ها به همین صورت ادامه داشته باشد ما در آینده به جای دانشگاه الزهرا شاهد کلسیونی از کافه های لاکچری و خالی از مشتری خواهیم بود



سبک زندگی

دانشجوی انقلابی

مرضیه انبری

از رنجی که می بریم...

سه سال گذشته زمانی که برای اولین بار وارد دانشگاه شدم اولین شگفتی برای من دانشجویانی بودند که به مشغله‌ی مضاعف ابتلاء داشتند و متفاوت با دیگران ظاهر می شدند.

همان دانشجویانی را می گویم که در مراسم های سیاسی و فرهنگی، عید و سوگواری در سطح دانشگاه، صندلی برای نشستن ندارند و آسودگی آن ها در خوشایند دیگران خلاصه می شود.

اولین روز دانشگاه متوجه شدم دانشگاه تنها در کلاس، مسجد، سلف و کتابخانه خلاصه نمی شود و منتهی الیه ای فراتر از گرفتن مدرک تحصیلی وجود دارد. پویا ترین جریان دانشگاه در زیر پله های سلف جاری جایی که گذرگاه دانشجوی دردمند بود، قرار داشت.

در یک قرن اخیر جنبش دانشجویی ایران که شکل ها طلایه دار آن بوده اند، با یک مرگ بر رئیس جمهور آمریکا در دانشکده ی فنی دانشگاه تهران آغاز و در 13 آبان 58 به نقطه ای رسید که تغییر دهنده ی تمام مناسبات جهانی شد اما امان از گذر ایام و دستمایه شدن دانشجویان دهه ی هفتاد و مهجوریت شکل ها. دو دهه ی قبل دانشجوی غیر فعال، دانشجوی بیمار نامیده می شد اما امروز دانشجوی فعال دانشجوی عجیب نام دارد!

زیر پوسته ی این اجتماع سکوت، در صورتی ترین حالت ممکن خیابان ده ونک، آمال و آرزو های مدنی این جمع، زیر سایه ی یاس جراتی برای درخشش ندارند و هر کدام خود را تنها ترین حالت ممکن می بینند و رویای پرسه زدن های گاه و بی گاه در دانشگاه های دیگر را برای چشیدن ذره ای فضای سیاسی و رفت و آمد به خیریه ها را برای تجربه ی کار فرهنگی در سر دارند. انگار که امثال دانشگاه تهران خداداده ی فرهنگ و سیاست و مشارکت صنفی و ... است و او تهی از هر جنب و جوش دانشجویی در این موقعیت قرار گرفته است.

بله ، ذکر خاطره کردم تا بگویم غریب ترین حالت دانشگاه دست های تنهای دانشجویان است که نمی دانند برای لذت روح و روان خود از دوران دانشجویی باید این دست ها را به هم گره بزنند.

سه سال فعالیت در تشکیلات برای من چیز هایی از سیاست و فرهنگ و تهذیب و تفریح به ارمغان آورد که دانشجوی دیگر منکر وجود آن در دانشگاه الزهرا(س) می شود چون بین من و او یک رنج فاصله انداخته است.

دانشجویی که آمالی فراتر از پاس کردن و مدرک گرفتن داشته باشد یک رنج را با خود حمل می کند که متعاقب آن هر نقطه از این دنیا را که در آن قدم می زند مرکز جهان تصور می کند و هر ثانیه را فرصت کار برای ادغام در جریان تغییری که این دنیا نیازمند آن است. دنیایی که نیازمند انسان دردمند است و نیازمند دردمند کردن انسان ها.

کسی که به جای جلوی پای خود فرسخ ها دور تر را نظاره می کند و او نمونه ی دانشجوی کامل است.

جوان انقلابی

روز

مقام معظم رهبری

اولین فریضه دانشجویی عبارتست از آرمان خواهی ؛ آرمان خواهی مخالف محافظه کاری است، نه مخالف واقع گرایی. محافظه کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی هر چند تلخ و بد باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید. آرمان گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت ها و آن ها را درست بشناسید ؛ از واقعیت های مثبت درست استفاده کنید و با واقعیت های سلبی و منفی مقابله و مبارزه کنید.





بخش اتاق فکر

رونق تولید

تولید را به میان می آورند و آینده ای پرامید را در پیش روی ایرانیان ترسیم میکنند. سالی که حتی از نظر ریاست محترم جمهوری سال عبور از شرایط سخت است. حال چطور ممکن است که در این شرایط کسی وعده رونق تولید را بدهد؟ تولید آن هم در سایه شوم تحریم های یک جانبه و چندجانبه مگر ممکن است؟

برای درک بهتر، بهتر است ابتدا به سراغ مفهوم تولید برویم. تولید عبارتست از سلسه مراتبی که طی آن مواد خام و طبیعی به محصولات پیچیده یا نسبتاً پیچیده صنعتی تبدیل می شوند. از تولید به عنوان فرایند خلق ارزش یاد می شود به عبارت دیگر تولید به عنوان فرایندی ارزش افزا بوده و با بهره گیری از مواد اولیه، نیروی کار و همچنین تکنولوژی مربوطه از منابع خام و کم ارزش، کالاهای نهایی با ارزش بالا به وجود می آورد. تولیدی که بر پایه های سرمایه انسانی و اجتماعی شکل گیرد، سرریزهای مثبت خارجی (صرفه های ناشی از مقیاس، افزایش توان رقابت پذیری، افزایش بهره وری و غیره) خواهد داشت و این سرریزها عامل بالا بردن تولید بیشتر شده و از سوپی با ایجاد بسترهای خصوصی سازی و کارآفرینی در کنار فراهم کردن ابزار بهره وری (سرمایه های انسانی و اجتماعی) تمایل به سرمایه گذاری در بازار را افزایش داده و بازار را به سمت رقابتی شدن می برد و آنجاست که قیمت رقابتی که یکی از ثمرات بازار رقابتی است شکل می گیرد

سلیقه ای تحویل سال و نوروز را مهم می دانند. در تاریخ ایران همیشه بالاترین مقامات کشور هم نوروز را جشن می گرفته اند. در انقلاب اسلامی نیز نوروز با پیام رهبری نظام آغاز می شود؛ چه در زمان حضرت امام رحمه الله و چه امروز در دوران رهبری آقا.

«غلامعلی حدادعادل» عنوان کرده که «ایشان بیشتر سالها را با يك نامی مشخص کرده اند که به نظر می رسد فلسفه ای این کار جلب توجه مردم به يك ارزش و همین طور در نقطه ای مقابل آن به يك مشکل است. بر این اساس رهبری با اطلاعات و گزارشهایی که از سراسر کشور دریافت می کنند، مطالعات و تجربه ای که دارند، درک و دریافتی که از معارف اسلامی و قرآنی و مفاهیم انسانی دارند و نیز اشرافی که به مسائل کشور دارند، هر سال ملت را به يك موضوع توجه می دهند.»

وی در پاسخ به این سؤال که «رهبر انقلاب چه عناصر و مؤلفه هایی را در انتخاب نام سال لحاظ می کنند؟» گفته: «در واقع نوعی جمع بندی مجموع عوامل است؛ از جمله آسیب هایی اجتماعی که باید برطرف گردد. جوانه های نوپی که در جامعه روییده است. گاهی نیز ممکن است شرایط بین المللی یا اقتضات داخلی هم اثرگذار باشد.»

بررسی مفهوم تولید

رهبر معظم انقلاب در سالی که به گفته بسیاری از کارشناسان حوزه سیاست و اقتصاد سال سختی پیش بینی شده است، مبحث رونق

پادزهر تحریم ها

فاطمه علیزادینیا

براساس قانون اساسی کشور ترسیم و ابلاغ سیاست های کلی نظام و جهت گیری کشور بر عهده رهبری نظام است. این وظیفه از طرق مختلف به اجرا در می آید. سخنرانی ها، ابلاغ ها، نامه ها، دستور و در پاره ای موارد حکم حکومتی. اما یکی از روش ها و شیوه های ترسیم جهت گیری کلی نظام و مسئولان که حضرت آیت الله خامنه ای آن را مطرح و دنبال کرده اند، همین انتخاب شعار و نامگذاری سال های مختلف بوده است.

مشاور عالی رهبر معظم انقلاب در خصوص این سؤال که «چرا عالی ترین مقام نظام اسلامی نام گذاری سالها را پی می گیرند؟» گفته است: «نوروز لحظه ای عزیز برای ایرانیها است. همه ی مردم ما با هر

تولید ملی نیز به عنوان عامل محافظت کننده در برابر تهدید های خارجی و بد عهدی های متعارف عمل نموده و اقتصاد کشور را در مقابل این تهدید ها ایمن می کند. به عبارت دیگر تولید ملی به عنوان عاملی مهم در ایجاد ثبات و آرامش در مقابل عوامل خارجی عمل نموده و از اقتصاد کشور در برابر شوک های خارجی که ممکن است تبعات سنگینی برای اقتصاد های وابسته داشته باشد، محافظت می کند.

بررسی موانع پیشرو در تحقق شعار سال

سال 1397 با تمام افت و خیزهای اقتصادی خود سرانجام به پایان رسید و امروز اولین روز از سال جدید است. رهبر انقلاب در صحبت های ابتدایی سال 1398 خود ضمن اشاره به این موضوع که مشکل اساسی کشور همچنان مشکل اقتصادی است، افزودند: بخشی از این ها به مدیریت های نارسا در زمینه مسائل اقتصادی مربوط است که این ها باید حتماً جبران بشود.

ایشان در ادامه سخنان خود گفتند: برنامه هایی وجود دارد، تدابیری اندیشیده شده که انشاءالله این تدابیر در سال جاری، سالی که امروز از این لحظه شروع می شود (سال 98) باید به ثمر بنشیند و مردم آثار آن را احساس بکنند. آنچه من عرض می کنم، این است که مسأله فوری کشور و مسأله جدی کشور و اولویّت کشور فعلاً مسأله "اقتصاد" است. در مسأله اقتصاد مسائلی که داریم، زیاد است: بحث کاهش ارزش پول ملی یک مسأله مهم است، بحث قدرت خرید مردم همین جور، بحث مشکل کارخانجات و کم کاری و احياناً تعطیل بعضی از کارخانجات از این قبیل است. این ها مشکلات است. آنچه من مطالعه کردم و از نظر کارشناس ها استفاده کردم، کلید این همه، عبارت است از "توسعه تولید ملی".

رهبر انقلاب در بخش دیگری از سخنان خود گفتند: ما سال 97 را سال «حمایت از کالای ایرانی» اعلام کردیم. نمی توانم بگویم که این شعار به طور کامل عملی شد، اما می توانم بگویم این شعار به صورت وسیعی مورد توجه قرار گرفت و در بسیاری از موارد، این شعار از سوی مردم مورد استقبال قرار گرفت و عمل شد و همین قطعاً تأثیر خواهد داشت. امسال مسأله "تولید" مطرح است. می خواهم مسأله تولید را به عنوان محور فعالیت قرار بدهم. مقصود خود از تولید را ان شاءالله در سخنانی روز اول سال توضیح خواهم داد که منظور از تولید چیست. تولید اگر چنانچه به راه بیفتد، هم می تواند مشکلات معیشتی را حل کند، هم می تواند استغنائی کشور از بیگانگان و دشمنان را تأمین و هم مشکل اشتغال را برطرف و هم حتی مشکل ارزش پول ملی را تا حدود زیادی برطرف کند. لذا

مسأله تولید به نظر من مسأله محوری امسال است؛ من شعار را امسال این قرار دادم: "رونق تولید".

بعد از این سخنان رهبر انقلاب و انتخاب شعار سال 1398، حالا این پرسش مطرح می باشد که چگونه می توان در کشور تولید را رونق بخشید؟

قطعاً پاسخ این پرسش مشخص است و آن برداشته شدن موانع از سر راه تولید و کسب و کارهاست. موانعی که رفع آن ها از عهده فعالان اقتصادی خارج و رفع آن ها نیازمند همت تمام مسئولین و مدیران کشور است. اما حالا پرسش این است که مهمترین موانع تولید در سال 1397 چه موانعی بوده است؟

برای پی بردن به مهمترین موانع تولید در سال 1397 نیاز است تا به گزارش های منتشر شده توسط اتاق بازرگانی ایران در زمینه پایش محیط کسب و کار مراجعه کنیم.

در دو فصل تابستان و پاییز سال 1397 و مطابق با گزارش های منتشره پنج مؤلفه (مانع)، "غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات"، "بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار"، "دشواری تأمین مالی از بانک ها"، "موانع در فرآیندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه های اجرایی" و "فساد و سوء استفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه های اجرایی" مهمترین موانع کسب و کار و تولید از دیدگاه فعالان اقتصادی هستند.

همچنین باید به این نکته نیز اشاره داشت که در چند فصل اخیر، "بی ثباتی و غیرقابل پیش بینی بودن قیمت ها (مواد اولیه و محصولات)" از رتبه سوم به رتبه اول مهمترین مانع بر سر راه کسب و کارها رسیده است.

بنابراین مسئولین و مدیران برای رونق بخشیدن به تولید در سال جاری نیاز است تا در گام نخست این پنج مانع را از سر راه کسب و کارها و تولید بردارند. هیچ یک از این موانع هم به تحریم های خارجی ارتباطی ندارد و همه این موانع، مشکلاتی است که از داخل برای تولید و کسب و کارها به وجود آمده و به نوعی می توان گفت تحریم های داخلی هستند.

راهکار های رونق دهی تولیدات

احساس مسئولیت عمومی، عزم ملی و تکلیفگرایی دینی

در حوزه تولید اعم از تولید کالا یا خدمات، هرکس در هر موقعیت کاری و شغلی باید کیفیت کارش را بالا ببرد، بیشتر کار بکند، بهتر کار بکند و به عنوان یک جهاد مقدس به این مقوله نگاه کند. بنابراین افراد نباید همواره دیگران را مخاطب این شعار بدانند بلکه خود را در حیطه کاری، توانمندتر و کارآمدتر سازند و با دغدغه بیشتری تلاش کنند. به فرمایش پیامبر مکرّم اسلام (ص): رَجِمَ اللّٰهُ اِمْرًا عَمِلَ عَمَلًا فَاَحْكَمَه: رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را انجام می دهد و آن را محکم انجام می دهد. همچنین در حوزه مصرف، اهتمام به مصرف کالاهای داخلی مهم ترین راز و رمز تحقق تولید ملی است. بدیهی است

است قوای سه گانه به ویژه دستگاه‌ها و ادارات دولتی در سراسر کشور نقش بی بدیلی در این زمینه دارند. از یک سو حجم خرید آنها بسیار زیاد است و از سوی دیگر براساس قاعده «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ»، الگوی عملی و عینی مردم قرار می‌گیرند.

توجه به فرهنگ‌سازی و نظام تعلیم و تربیت فرهنگ کار و تولید و کیفیت باید به فرهنگ عمومی کشور و حتی به مطالبه ملی تبدیل شود. ادارات، نهادها، مسئولان، اهالی قلم، بیان و رسانه و آحاد مردم همه تلاش کنند تا تولید ملی و افزایش کار و تلاش استفاده بهینه از سرمایه‌های مادی و انسانی جوانان ایرانی تحقق یابد. پایه اساسی در حوزه فرهنگ‌سازی قطعاً متوجه نظام تعلیم و تربیت کارآمد است تا از مقاطع پیش دبستانی تا سطوح عالی، این ظرفیت را فراهم آورد. بدین معنا که نظام تعلیم و تربیت اقتصادی باید مورد توجه جدی نظام آموزشی کشور در سطوح عمومی و عالی قرار گیرد.

ایجاد و تقویت زیرساخت‌ها

قطعاً در مسیر پرتلاطم اقتصاد کنونی، زیرساخت‌های جدیدی باید ایجاد شود. زیرساخت‌های موجود نیز برحسب زمان و مکان تقویت، بازسازی یا حذف شوند. باید تولید باکیفیت نهادینه شده و بسترهای ماندگاری و دوام و قوام آن فراهم شود. در این زمینه بخش‌های دولتی، خصوصی و آحاد مردم مسئولیت پیدا می‌کنند.

هم افزایی ظرفیت‌ها، بسیج استعدادها و سرمایه های انسانی و مادی

تولیدمحوری تنها از یک نهاد مشخص ساخته نیست بلکه همه ظرفیت‌های کشور باید بسیج شوند، فکرها و عقل‌ها روی هم ریخته شوند، امکانات کشور در این زمینه تمرکز پیدا کنند و با نظم و انسجام و وحدت رویه توأم با شور و شعور، این حرکت مستمراً پی جویی شود.

توجه به رقابت‌پذیری

بازار جهانی با یک رقابت نفسگیر و تنگاتنگ مواجه است و قدرت‌های مطرح و یا مدعی باید توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود را برای رقابت در چنین عرصه‌ای مضاعف سازند و پا به پای استانداردهای جهانی حرکت کنند. بنابراین کیفیت کالاها و خدمات تولیدی و کار و سرمایه باید بتواند از رقبای جهانی و منطقه‌ای خود پیشی بگیرد. در سند چشم انداز 20 ساله نیز گفته شده جمهوری اسلامی در صحنه

صحنه‌های مختلف به قدرت اول در منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل می‌شود. لذا طبیعی است تولید و اقتصاد و تجارتی که در آن رقابت نباشد از میدان مسابقه حذف خواهد شد.

توجه به دانش محور بودن

افزایش تولید نیازمند ارایه الگوها و نظریه‌ها و تئوری‌های کارآمد و علمی است. افزایش آگاهی و دانش و مهارت و تخصص به جهش در تولید منجر می‌شود. بنابراین تولیدگران و کارگران و صاحبان سرمایه باید پشتوانه علمی و توجیه علمی لازم را برای افزایش و کیفی‌سازی تولید پیدا کنند. این مهم، حلقه مفقوده دانشگاه و صنعت را مرتفع می‌سازد.

دانشگاه‌ها می‌بایست براساس نیازهای جدید به جذب دانشجو و ایجاد یا گسترش رشته‌های دانشگاهی پردازند. رسانه‌ها و نخبگان نیز در این زمینه آگاهی های لازم را در اختیار افکار عمومی قرار دهند. در واقع باید در یک تعامل دوسویه، نیازها و مسائل واقعی بخش‌های مختلف اقتصادی استخراج شده و سعی شود پاسخ‌های علمی به آنها داده شود. بدین شکل شاهد تعامل موثر و کارآمد نهادهای علمی با بخش‌های مختلف در حوزه ناظر بر حل مسائل واقعی کشور خواهیم بود.

توجه به فضا و عرصه جنگ اقتصادی و عملیات روانی

عملیات روانی در دو معنای ایجابی و سلبی قابل بررسی است. منظور از عملیات روانی در معنای ایجابی، تحریک و تشجیع نیروی کار و صاحبان سرمایه و ترغیب آحاد مردم به توجه به تولید ملی است. در واقع باید شعار و آرمان بزرگ «ما می‌توانیم» نقل مجالس و محافل شده و تولید ملی به باور عمومی تبدیل شود.

در معنای سلبی از عملیات روانی، مقصود توجه به فضای تیره‌ای است که توسط عوامل داخلی و خارجی معاند ایجاد می‌شود. این طیف سعی در القای ناکارآمدی‌ها داشته تا بدین طریق بتوانند فضای یاس و ناامیدی ایجاد کرده و

و در واقع کشور را از آرمان «ما می‌توانیم» دور کنند. لذا قطعاً توجه به فضای عملیات روانی در دو بعد ایجابی و سلبی آن باید مورد توجه نخبگان، مسئولان و مردم باشد تا به بهترین نحو بتوان در مقابله با بحران‌ها و تهدیدات اقتصادی به موفقیت رسید و آنها را مدیریت کرد. در واقع در عرصه جنگ اقتصادی، غفلت زدایی و ایجاد فضای نقد و تبیین صحیح باید مورد توجه جامعه قرار گیرد.

نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران در سه دهه اخیر همواره مشغول جهاد بوده است. در یک برهه به جهاد سیاسی، در برهه‌های دیگر به جهاد دفاعی، زمانی به جهاد فرهنگی پرداخته و امروز در یک جهاد اقتصادی و نبرد فشرده در رویارویی با استکبار جهانی قرار گرفته است. دشمن تنها امید خود را در تحریم‌ها و فشارهای فلج‌کننده می‌بیند و ملت ایران با جهاد خود امید دشمن را ناامید خواهد ساخت.

ایجاد تعادل و تناسب بین تولید، توزیع و مصرف

باید تلاش کرد تولید در تمام عرصه‌ها اعم از کشاورزی، دامی، صنعتی و علمی افزایش یابد، تولید در عرصه‌های مختلف، اصلاح شده و کارآمد ساختن سیستم توزیع عادلانه و نیز توجه و بازگشت به عناصری چون صبر، قناعت، عدم اسراف و تبذیر و... به فرهنگ ملی تبدیل شود.

نقش تحریم‌ها در مشکلات اقتصادی

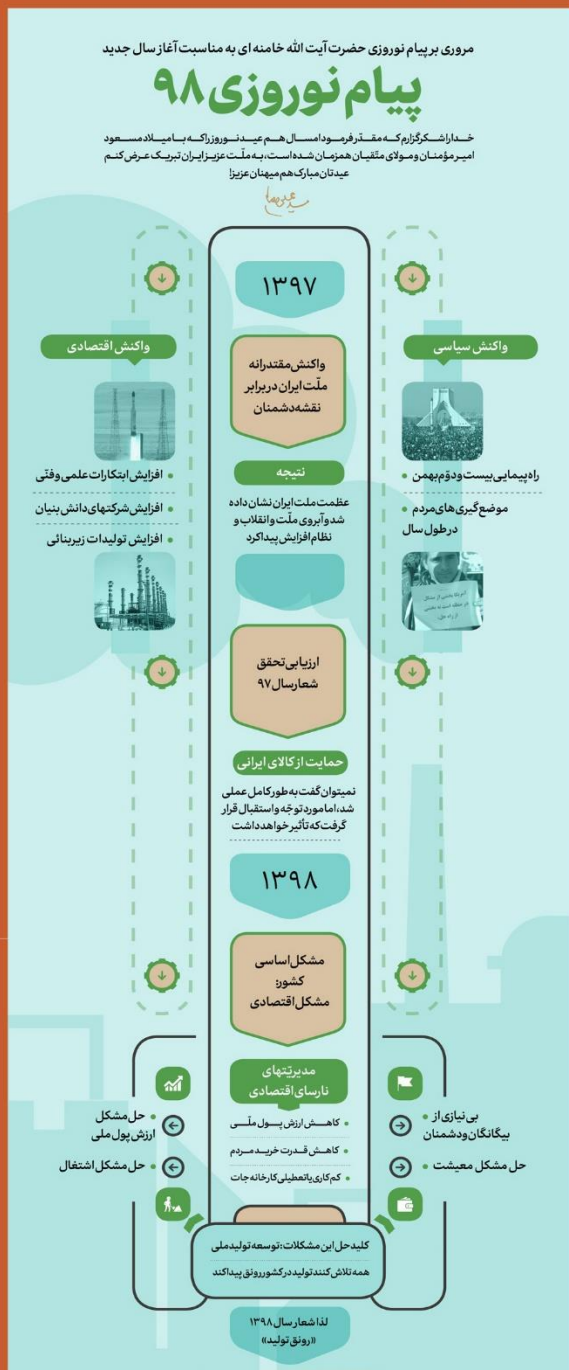
موضوع تحریم‌ها و راه صحیح مواجهه با آنها شاید مهم‌ترین مسئله مطرح در فضای عمومی این سالهای کشور باشد. هرچند تحریم‌ها عمری برابر با عمر انقلاب اسلامی دارند و همواره ابزار فشار دشمن بر جمهوری اسلامی و مردم بوده اند، اما از اواخر سال 1390 با ورود به مرحله جدید، به تحریم‌هایی تبدیل شده اند که به تعبیر مقامات آمریکایی سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ هستند.

البته نه تحریم‌های شدید، قابلیت تداوم و اثرگذاری در بلند مدت را دارند و نه ایران کشور دست و پا بسته ای است که تحریم‌ها بتوانند مسیرش را کند کنند. اما در هر حال کلاتی را فراهم آورده اند که باید راه صحیح مواجهه با آنها را پیدا کرد و پیمود.

در مواجهه با این موضوع، مسیری در حال طی شدن است که حل مشکلات اقتصادی کشور را منوط به رفع اثر تحریم‌ها، رفع اثر تحریم‌ها را منوط به مذاکره با تحریم‌کنندگان غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا میداند.

پرداختن به موضوعات مذکور و بررسی سرانجام این مسیر شاید برایمان روشن کند که چرا یک مقام مسئول در سال 98 به رونق تولید و دیگری به سال سخت اقتصادی معتقد است. به عبارت دیگر باید بررسی شود که در طی 40 سال گذشته، سازش جریان‌گر یا غیرگرا به بهانه مشکلات معیشتی

هزینه‌هایی را بدنه اجتماعی مردم و بطور ملموس تر بر سفره‌های مردم وارد کرده است.



شروط تحقق و فواید

زمنه‌ای رونق تولید ۱۳۹۸

حضرت آیت الله خامنه‌ای با ارزیابی مشکلات اقتصادی کشور و استفاده از نظر کارشناسان سال ۹۸ راه نام «رونق تولید» نامگذاری کردند. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR ابعاد مختلفی را که رهبر انقلاب درباره رونق تولید در پیام نوروزی و بیانات در حرم مطهر رضوی مطرح کردند در این اطلاع‌نگاشت منتشر میکند.

توصیه‌های رهبر انقلاب

- تمرکز دستگاه‌های دولتی
- وضع مقررات
- ورود مردم
- در رونق بخشیدن به تولید
- لازم‌توسط مجلس
- توانا در تولید
- ایفای نقش قوه قضائیه و دیگر دستگاه‌های نظارتی
- هماهنگی اقتصادی سران قوا

فواید رونق تولید

- توان بودجه و رفع مشکل
- کسری بودجه دولت
- حل مشکل کم‌کاری یا تعطیلی کارخانه‌جات
- افزایش پول ملی
- افزایش ارزش
- حل مشکل فقر
- کاهش تورم
- حل معضل نظام بانکی
- خرید مردم
- حل مشکل قدرت
- بی‌نیازی از دشمن
- بیگانگان و دشمن
- حل مشکلات معیشتی
- طبقات مختلف مردم

